

سناریوی تهاجمی تر شدن حضور آمریکا در اوکراین:

از شعار حمایت از دموکراسی تا نگرانی از آینده قطب‌بندی جهانی

دکتر زینت السادات مطهری



پژوهشگر مسائل سیاسی

با وجود پروپاگانداي دولت و تحليل گران مطرح آمريكايي كه دغدغه حمايت از دموكراسي را به عنوان رسالت اين كشور و بهانه مداخله در منازعه شرق اروپا و تكرر گفتمان محدودسازي نفوذ بلوك شرق مطرح مي كنند، دلايل واقع گرايانه تري مي توان براي اين مداخله متصور شد كه ماهيت هرچه تهاجمي تر آن را تبين مي كنند. دو تحليل كه چنين سناريويي را تكميل مي كند، عبارت اند از: هراس آمريكا از انزوا در اروپا كه از راه تقويت ناتو درصدد مقابله با آن است و «نبرد كريدورها» كه بر اساس آن، آمريكا آينده قدرت و ثروت را اين بار هم در رقابت با بلوك شرق و از راه فرسايشي نمودن منازعات كشورهاي قرار گرفته در راه اين كريدورها، دنبال مي كند.

، مایکل مک کاول، به طور کلی احتمال پیشروی رقیب روس برای به خطر انداختن جایگاه آمریکا در آینده را به عنوان دلیل مداخله مطرح می‌کنند. بایدن خود نیز در ماه مارس، احتمال گسترش اقدامات مشابه به سایر کنشگران جهانی چون چین را به عنوان دستاویز مداخله مطرح کرده است: «در گذشته دیده‌ایم که وقتی دیکتاتورها هزینه‌ای برای خصومت‌های خود نمی‌پردازند، دست به کار خصومت‌های بعدی می‌شوند».

در دسته دیگر، افرادی چون آنتونی بلیکن، وزیر خارجه و آن ایلپاوم روزنامه‌نگار، با حوزه‌های کمونیسم و جریان‌های چپ، اصول نظم جهانی لیبرال به سرکردگی آمریکا را در خطر دیدند و با دو منطق اساسی به پیشبرد مداخله آمریکا در جنگ اوکراین، دامن می‌زنند؛ داعیه حمایت آمریکا از حکومت‌های دموکراتیک و نقض اصولی چون عدم زورگویی دولت‌های قوی به دولت‌های ضعیف از سوی روسیه. بنابراین، به نظر می‌رسد این گروه بر آن است که عدم مداخله آمریکا می‌تواند به مثابه تضعیف جبهه لیبرالیسم جهانی در محافظت از پیروان خود و جایگزین تدریجی اصول و نظم جدید شود.

هر دو تحلیل احتمالی ارائه شده از سوی شیفینسون بسیار کلان است و در زمره نظریه‌های توهم توطئه می‌گنجند.

باید توجه داشت که همچون موارد تاریخی چون جنگ ویتنام و با وجود امپراتوری گسترده رسانه‌ای، افکار عمومی آمریکا حامی مداخلات جهانی در سایر کشورها نیست؛ به طوری که در حالت عادی ۵۰٪ آمریکایی‌ها، حامی مداخله‌گری در جهان و تنها ۴۹٪ آنها حامی

از زمان حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، آمریکا سه گزینه تحریم، ایجاد ائتلاف دیپلماتیک علیه مسکو و تقویت نیروهای نظامی اوکراین را روی میز قرار داده است. با این حال، از مجموع کمک‌های ۷۷ میلیاردی آمریکا به اوکراین تا ابتدای تابستان، ۶۱٪ (معادل ۴۷ میلیارد دلار) در قالب تجهیز و آموزش نظامی نیروهای اوکراینی و باقی آن را در قالب کمک‌های مالی به مردم، پناه‌جویان و نهادهای مختلف اوکراینی، تصویب قوانین حمایتی، راه‌اندازی‌های شبکه‌های رادیویی، حمایت بی‌قید و شرط دیپلماتیک، مقابله با نفوذ روسیه و تهدید به مقابله به مثل در صورت استفاده از بمب اتمی صورت گرفته است &.

این استراتژی دولت بایدن در داخل آمریکا، تقریباً بلامناع بود و اتاق‌های فکر و چهره‌های سیاسی، از هر دو جناح سیاسی دموکرات و جمهوری خواه، خواستار حضور و مداخله آمریکا در این جنگ به نفع اوکراین هستند؛ بنابراین، بعید به نظر می‌رسد مداخله آمریکا در جنگ اوکراین، آینده متفاوتی از حال حاضر داشته باشد. دولت بایدن و طرف‌داران حضور آمریکا در این جنگ، تا این لحظه غیر از کلی‌گویی، توضیح شفافی درباره دلایل و منافع آمریکا برای این اقدام ارائه نکرده‌اند.

جاشوا شیفینسون، عضو گروه مطالعات امنیت دانشگاه ام‌آی‌تی، یک سال بعد از درافروختن آتش جنگ در اوکراین، در تحلیلی به بررسی منافع استراتژیک آمریکا در اوکراین پرداخته است و آنها را به دودسته کلی تقسیم نموده است؛ در دسته اول، افرادی چون سفیر سابق آمریکا در روسیه، مایکل مک فاول، مشاور سابق امنیت ملی، استیفن هدلی و نماینده نگزاس



جنگ به ۴۳٪ در اکتبر ۲۰۲۳ افزایش یافته است که این افزایش، بیشتر به دلیل تغییر عقیده جمهوری خواهان و افراد مستقل است و ۸۴٪ جمهوری خواهان، خواستار محدود بودن کمک‌ها و ۶۵٪ دموکرات‌ها، خواستار کمک بی‌قید و شرط به اوکراین هستند.

اما از نظرگاه بین‌المللی، مداخله آمریکا در جنگ اوکراین، پیشینه‌ای گسترده تراز شعارهای دموکراتیک می‌یابد که فهم آن در گروهی درک عملکرد ناتو و توفیق نسبی مسکو برای مسدود کردن نفوذ آن در راستای پیشبرد سناریوی تعدیل روابط اروپا - آمریکا و طبیعتاً استقلال نسبی اروپا از آمریکا است. به طور ویژه، توان تکنولوژیک و امنیتی روسیه و برخورداری از بیشترین منابع گاز جهان و به ویژه احداث بزرگ‌ترین خط لوله زیر دریایی جهان، موسوم به نورد استریم یک و دو، برای انتقال انرژی به اروپا، تهدیدی برای ائتلاف

ضرورت مداخله به شکل پیشگیرانه هستند. این در حالی است که بر اساس نظرسنجی ماه مه مرکز نظرسنجی پیو، از زمان شروع جنگ اوکراین، حمایت از مداخلات جهانی به ۴۳٪ کاهش و مخالفت با آن به ۵۵٪ افزایش یافته است که این مخالفت‌ها در میان جمهوری خواهان به ۷۱٪ می‌رسد.

با این حال، افزایش حمایت از مداخلات در میان دموکرات‌ها تا سقف ۶۵٪ تأییدکننده تحلیل شیفرینسون مبنی بر سهم بیشتر دموکرات‌ها در حمایت از مداخله‌گری آمریکا در اوکراین است.

یافته‌های مرکز مطالعاتی گالوپ نیز در تأیید کاهش حمایت افکار عمومی آمریکا از مداخله در جنگ اوکراین است؛ به طوری که ۴۱٪ آمریکایی‌ها این حمایت‌ها را بیش از حد و تنها ۲۵٪ آن را ناکافی می‌دانند؛ از دسته اول ۶۲٪ جمهوری خواه و تنها ۱۴٪ دموکرات هستند؛ حامیان پایان سریع مداخله از حدود ۳۰٪ در ابتدای

بر اساس این نظریه، آینده مسیر انتقال انرژی و کالا به دلیل تمرکز قدرت و ثروت در گلوگاه‌های آن، از جمله بندرها و راه‌های آبی، چارچوبی مهم برای تحلیل عملکرد کنشگران جهانی در منازعات مناطق مختلف جهانی از جمله جنگ‌های اوکراین، غزه، یمن و... است.

سناریوی آمریکایی، جایگزین طرح «کمربند و جاده» چین از راه تقویت ائتلاف هند، آمریکا، عربستان، امارات، فرانسه، آلمان، ایتالیا و اتحادیه اروپا، بارزترین شکل رقابت ژئوپلیتیک بر سر این راه‌ها و بندرهاست؛ از این رو، مشغول نگه داشتن توان نظامی و سیاسی روسیه در منطقه بالکان را می‌توان تلاش ائتلاف نام برده به سرکردگی آمریکا در راستای کاهش حضور بلوک شرق در منطقه خاورمیانه تلقی کرد.

اروپایی - آمریکایی و بنابراین انزوای آمریکا و در پی آن، تضعیف ناتو بوده است.

جایگاه ناتو به عنوان بزرگ‌ترین پیمان نظامی جهان و نقش رهبری آمریکا در آن که در تمامی منابع و تحلیل‌های داخلی این روزهای آمریکا به چشم می‌خورد، فراتر از شعارهای حمایت از دموکراسی، نشان‌دهنده تلاش آمریکا برای حفظ جایگاه هژمون از راه حفظ دست برتر نظامی است.

تعلیق همکاری‌های نظامی ناتو با روسیه در پی اشغال کریمه که به عنوان «سخت‌ترین بحران شرق و غرب پس از جنگ سرد» توصیف می‌شود، آغازگر تحرکات ناتو برای تهدید مرزهای این کشور از راه زمزمه‌های عضویت اوکراین بود.

حمایت همه‌جانبه آمریکا از اوکراین در عین خودداری از ورود به درگیری مستقیم با روسیه و در عین حال، خودداری ناتواز پذیرفتن درخواست‌های مکرر عضویت اوکراین، رفتار کج‌دار و مریز برای درگیر نگه داشتن روسیه در نبردی فرسایشی است که با مدیریت افکار عمومی در آمریکا و شعار حمایت از دموکراسی، به دنبال فرسایش توان دیپلماتیک روسیه در پیشبرد سناریوی انزوای آمریکا است.

فرضیه تهاجمی‌تر شدن حضور آمریکا از راه تشدید حمایت‌های پرهزینه که با سفر اخیر وزیر دفاع آمریکا لوید آستین به کی‌یف شاهد بودیم، با کشتار غزه نیز نمی‌تواند بی‌ارتباط باشد. در خوانشی ژئوپلیتیک، جریانات و کنشگران پشت‌صحنه، اتفاقات اخیر هر دو جنگ اوکراین و غزه، با عنوان کلان «نبرد کریدورها» قابل بررسی هستند.